

کیهان ۲۹ مهر ۱۳۸۶

شیطان و راه های اغواگری انسان

حمید بزرگی



در آموزه های قرآنی به دو دشمن درون و بیرون اشاره شده است. گزارش های قرآنی درباره دشمن بیرون به آن اندازه است که حساسیت ما را برانگیزاند. این دشمن که قرآن از آن به دشمن آشکار یاد می کند، هرگز به طور مستقیم در ما تصرف نمی کند ولی با روش ها و ابزارهایی که در دست دارد به درون نفوذ کرده و با استفاده از ابزارها و ظرفیت های موجود نفس آدمی را به یار و یاور خویش تبدیل می کند و دشمن درون را با خود همراه می سازد. این گونه است که اعدی عدوک (دشمن ترین دشمنان انسان) که نفس و درون انسان است. هماهنگ و همراه با دشمن بیرون، انسان را به بردگی کشیده و از راه راست و حق و حقیقت دور می سازد و همه ظرفیت ها و توانمندی های موجود در انسان را که می بایست در راستای تکامل و کمال یابی به کار گرفته شود در خدمت خویش می گیرد و آدمی را به نابودی می کشاند.

قرآن نام این دشمن بیرونی را که از نوع جن و جان و آفریده ای از آتش خالص و تاب است، ابلیس و به تعبیری شیطان نام نهاده است. ابلیس که در زبان عبری آن را عزازئیل می نامند به معنای رانده شده از خداست. ابلیس نام خاصی برای یک فرد از نوع جن است که در میان فرشتگان می زیست و همراه فرشتگان آسمانی مامور به سجده به انسان شد. این موجود کیست و چه دشمنی با انسان دارد و چرا از آغاز آفرینش انسان با وی مخالفت کرده و چرا می کوشد تا او را گمراه و بدبخت سازد؟ از چه روش هایی برای دست یابی به مقصد و مقصود خویش بهره می برد و چرا به دشمن آشکار نامیده شده؟ این نوشتار می کوشد تا به طور گذرا نگاهی به این موضوع بر پایه آموزه های قرآنی داشته باشد. با هم این مطلب را می خوانیم.

کیستی ابلیس

ابلیس در تحلیل و گزارش های قرآنی شیطان بزرگ از جنیان (کهف آیه ۵۰) و آفریده شده از آتش (ص آیه ۷۶) است که عامل اخراج آدم(ع) و حوا از بهشت گردید. (بقره آیه ۳۶)

این نام برگرفته از واژه بلس است. ابلاس در زبان عربی به معنای یاس و نومییدی است و ابلیس را از آن رو به این نام یاد کرده اند که از رحمت الهی مایوس شد. (صالح اللغه و مقایس اللغه)

ابلیس در میان فرشتگان می زیست و از سوی خداوند مامور به سجده بر آدم(ع) شد. (بقره آیه ۳۴) وی به جهت خود برتر بینی از سجده به آدم سرباز زد. (ص آیه ۷۱ تا ۷۶) ابلیس آن گاه در بهشت به سراغ آدم رفت و با عنوان خیرخواهی کوشید تا او را بفریبد. (اعراف آیه ۲۰ و ۲۲) وی با وسوسه آدم(ع) در بهشت (همان) و شبهه افکنی در ذهن او (همان) عامل لغزش و عصیان آدم از خدا (اعراف آیات ۲۰ تا ۲۷) شد به گونه ای که آدم(ع) با عصیان و لغزش و خوردن از درخت ممنوع به تطمیع ابلیس که به سلطنت جاویدان یا فرشتگی دست می یابی، گرفتار دو مشکل شد؛ نخست این که با خوردن از درخت ممنوع برهنه و لخت شد و بدن زمینی اش آشکار گشت و شرمگاه و دیگر اعضای او نمایان شد به گونه ای که نیاز به پوششی غیر از پوشش طبیعی پیدا کرد که در بهشت از آن برخوردار بود و عیب ها و تن خاکی اش با نقص ها و کمبودهای پنهانش هویدا شد (همان و نیز طه آیه ۱۲۰ و ۱۲۱) دیگر آنکه از بهشت رانده شد.

ابلیس نماد تکبر

ابلیس در قرآن نماد تکبر و استکبار و عصیان و نیز دشمن آشکار انسان است که می کوشد به هر شکل و روشی انسان را به بند کشیده و گمراه و بدبخت سازد. (اسراء آیات ۶۱ و ۶۲ و ص آیه ۸۲) قرآن ریشه این دشمنی را خودبرتربینی برمی شمارد که موجب شد اطاعت انسان را به عنوان خلیفه خداوند نپذیرد و با عصیان خویش به جنگ با انسان و خدا برود.

این دشمن در تحلیل و گزارش های قرآنی از چنان اهمیت و جایگاهی برخوردار است که بی شناخت خصوصیات و رفتارهای او نمی توان از دست اذیت و آزارهایش در امان ماند. ویژگی مهم ابلیس پنهان بودن وی از چشم انسان است. وجود جنسی او که

ریشه در آتش دارد این امکان را برایش فراهم کرده است تا انسان را ببیند در حالی که دیده نشود. (اعراف آیه ۲۷) از این روست که قرآن به اشکال مختلف و در آیات متعددی به این دشمن پرداخته و شیوه ها و روش های او را تحلیل و تبیین نموده تا انسان با بهره گیری از آموزش ها و توانایی هایی که در ذاتش سرشته و امانت نهاده شده است خود را از شر و آسیب های او در امان نگه دارد.

خداوند در آیه ۵۰ سوره کهف به انسان هشدار می دهد که نسبت به دشمنی ابلیس هوشیار باشد. با آن که از نظر قرآن این دشمنی ابلیس آشکار است (یس آیه ۶۰) ولی به نظر می رسد مردم کم تری به این دشمن توجه دارند.

ابلیس پنهان، دشمن آشکار

تعبیر قرآن به عدو مبین یعنی دشمن آشکار با توجه به این که ابلیس موجودی ناپیدا برای آدمی است و انسان نمی تواند وی را ببیند، شاید به این علت باشد که ابلیس به هیچ وجه حاضر به دست برداشتن از دشمنی خویش با انسان نیست و آشکارا اعلام داشته که با آدم (ع) و فرزندان وی دشمن است و تا آنان را به گمراهی و بدبختی نکشاند دست بر نمی دارد. (اعراف آیه ۲۷)

ابلیس برای رسیدن به این مقصد از خداوند مهلت می گیرد که تا قیامت این فرصت را داشته باشد مردمان را گمراه کند (اعراف آیات ۱۱ تا ۱۵) ولی خداوند به وی مهلت می دهد تا زمانی معین این امکان را داشته باشد که به گمراهی مردمان مشغول باشد.

(حجر آیات ۳۲ تا ۳۸ و ص ۷۹ تا ۸۱)

به نظر می رسد این وقت معین دارای دو مفهوم باشد نخست آنکه شاید مراد از وقت معلوم این باشد که وی بتواند تا زمان مرگ آدمی در روی زمین او را گمراه کند ولی اجازه نداشته باشد پس از مرگ و در عالم برزخ و عالم مثال به انسان دسترسی داشته باشد. گمانه دوم این است که به وی اجازه داده شده است تا زمانی که حکومت مهدوی (ع) برپا نشده به این کار خویش ادامه دهد ولی پس از آن قادر نباشد به گمراهی مردم اقدام کند.

قرآن ضمن گزارش کامل از علت دشمنی ابلیس نسبت به آدم(ع) به این نکته اشاره می کند که این دشمنی، خاص فردی نیست بلکه عموم بشریت را شامل می شود و در حقیقت ابلیس سوگند خورده است تا همه بشر را گمراه و بدبخت سازد و از اطاعت و پیروی خدا باز دارد. (نساء آیه ۱۱۷ تا ۱۱۹ و اعراف آیه ۱۱ تا ۱۷ اسراء آیه ۶۱ و ۶۲ و ص آیه ۷۴ و ۸۲ و سبا آیه ۲۰ و ۲۱)

البته گروه بسیار اندکی را از این مسئله جدا می سازد که اینان همان بندگان صالح در تعبیر ابلیس است. (حجر آیه ۳۹ و ۴۰) به نظر می رسد که این گروهی که استثنا شده اند کسانی هستند که ابلیس خود می دانست که راهی برای گمراهی آنان ندارد. (همان)

قرآن از دوستی انسان با ابلیس که دشمن آشکار انسانی است پرهیز می دهد (کهف آیه ۵۰) و بیان می کند که ابلیس می کوشد هم چنان که خود از امر پروردگارش سرپیچید و راه فسق و فجور را در پیش گرفت مردم را به فسق و عصیان بکشاند و مردمان را جزو ستمگران و ظالمین قرار دهد.

(همان)

دیدگاه ابلیس نسبت به انسان

ابلیس موجودی مختار همانند دیگر جنیان است و می تواند بر پایه اراده خویش اطاعت و یا عصیان پیشه گیرد. (بقره آیه ۳۴) وی می تواند انسان ها را با وسوسه و اغواگری از راه بدر کند و گمراه نماید. (اعراف آیه ۱۶ و ۱۷ و نیز حجر آیه ۳۹ و ۴۰)

به نظر ابلیس جنس انسان از ماده بی ارزشی آفریده شده (لجن و گل بدبو) بنابراین قابلیت آن را ندارد که مورد اطاعت و سجده قرار گیرد. (حجر آیه ۳۲ و ۳۳ و اسراء آیه ۶۱) این موجود دارای فرزند است و خود و فرزندانش به کینه رانده شدن از درگاه خدا می کوشند تا فرزندان آدمی را گمراه و بدبخت سازند. او موجودی عصیان گر (بقره آیه ۳۴) و ملعون و رانده شده از درگاه خداوندی است. (ص آیه ۷۵ تا ۷۸) و ریشه اخراج وی از جایگاه رفیع در میان فرشتگان استکبار او بوده است. (ص آیه ۷۵ و

(۷۷)

به نظر شیطان آدم قابل تکریم و احترام و اطاعت نیست (اسراء آیه ۶۲) و به کینه ای که از وی در دل دارد می کوشد او و فرزندان را گمراه کند. از این رو با توجه به توانایی هایی که در اغواگری و فریب و وسوسه دارد آدمی را به دام می اندازد و می کوشد تا بر پایه آن، بدبختی و شقاوت ابدی را نصیب انسان کند. وی برای دست یابی به این هدف از روش هایی بهره می برد که در این جا به برخی از آن ها با توجه به آیات قرآنی اشاره می شود.

روش های اغواگری ابلیس

ابلیس برای دست یابی به هدف خود که سوگند خورده و به آن پای بند است از شیوه های متفاوتی استفاده می کند تا انسان، منحرف و گمراه شود. (اعراف آیه ۱۱ تا ۱۷) از جمله این روش ها می توان به آهنگ باطل اشاره کرد. وی با ایجاد صوت خاصی می کوشد تا آدمی را از حق و حقیقت دور سازد. شیخ طبرسی در مجمع البیان ذیل همین آیه منظور از گمراه کردن با صوت و صدا را آهنگ های باطلی دانسته است که مصداق آن غنا و صداهایی است که آدمی را به گمراهی و گناه می خواند. به نظر می رسد که صوت، اختصاص به آهنگ های باطل و نوازندگی نداشته باشد بلکه گاه در گوش جان آدمی زمزمه می کند که ما امروزه از آن به بیماری اسکیزوفرنی و یا شیزوفرنی یاد می کنیم.

بسیاری از افراد روان پریش بر این باورند که شخصی در گوش آنان زمزمه می کند و آنان را به گناه و یا کفر دعوت می کند و یا می خواهد پدر و مادر و یا خواهر خود را بکشند و یا به دیگری آسیب برسانند و یا این که دیگری می کوشد تا به وی آسیب برساند. به نظر می رسد که ابلیس این توانایی را داراست تا در گوش برخی زمزمه شیطانی بخواند و آنان را با صوت خویش گمراه و بدبخت سازد.

شیطان برای رسیدن به مقصود خویش از سواره نظام و پیاده نظام گسترده ای برای اغوای انسان استفاده می کند (اسراء آیه ۶۱ و ۶۴) این سواره نظام و پیاده نظام با شیوه های مختلف به جنگ انسان می آیند و از هر ابزاری برای تسلط بر بشر بهره می برند. بنابراین انسان می بایست بسیار هوشیار و آگاه باشد تا از شر و بدی دشمنانی این گونه قدرتمند و فراوان در امان بماند.

از روش های نفوذ و تسلط شیطان بر آدمی بهره گیری از سوگندهای دروغین است. قرآن گزارش می کند که ابلیس چگونه با بهره گیری از این شیوه توانست بر آدم چیره شود و مهار کنش و واکنش های وی را در اختیار گیرد و او را وادار سازد به دست خود عصیان کند و از میوه ممنوع بخورد و از بهشت رانده شود. (اعراف آیه ۲۰ تا ۲۲)

ایجاد آرزوهای موهوم و دروغین و وعده های نادرست در انسان از روش هایی است که ابلیس برای دست یابی به اهداف خود از آن بهره می برد. در داستان حضرت آدم(ع) دیده شد که چگونه وی را به وعده جاویدانگی و سلطنت پایدار و یا فرشته شدن و در امان ماندن از آسیب های احتمالی و مشکلات آن، گمراه کرد و او را وادار کرد از میوه ممنوع بخورد و از بهشت و نعمت های آن محروم گردد و اگر پذیرش توبه و هبوط وی به زمین نبود به عنوان شقی ابدی گرفتار دوزخ و خشم الهی می شد. (نساء آیه ۱۱۷ تا ۱۱۹)

وعده های فریبنده شیطان از مواردی است که خداوند در آیات ۶۱ و ۶۴ سوره اسراء به آن اشاره می کند و توضیح می دهد که چگونه او از این روش برای دست یابی به اهداف خود بهره می برد.

تزیین اعمال ناپسند نزد مردم و نشان دادن کارهای نادرست و ناروا به عنوان اعمال درست و پسندیده از روش هائی است که ابلیس برای گمراهی مردم و عصیان خداوند به کار می گیرد. قرآن در آیه ۳۲ تا ۳۹ سوره حجر به این مسئله اشاره و بیان می کند که چگونه ابلیس توانست از این راه آدم را بفریبد و گمراه سازد.

وسوسه گری، مهمترین روش شیطان

وسوسه گری مهم ترین و اساسی ترین شیوه ای است که ابلیس برای فریب و گمراهی مردم از آن بهره می برد که در داستان آدم(ع) به خوبی روشن شده است. انسان به طور کلی در برابر وسوسه ها عاجز و ناتوان است و واکنش خوبی نسبت به آن انجام نمی دهد تا از آن برهد. از این رو بهتر است که در برابر هر وسوسه این را توجه داشته باشد که آیا مطابق آموزه های الهی است یا مخالف آن می باشد. دام ابلیس وسوسه گری است که در آیات چندی به آن اشاره شده است. (اعراف آیه ۲۰ و طه آیه ۱۲۰)

مکر و فریب از راه های دیگر ابلیس است که در آیه ۲۰ تا ۲۲ اعراف به آن اشاره شده است و امری است که همگان با آن آشنا و خطر آن را می شناسند.

ابلیس برای دست یابی به اهداف خود از هر روش و شیوه ای استفاده می کند و چیزی را فرو نمی گذارد، از این رو سوگند خورده است که در راه دشمنی با آدم و فرزندانش از همه روش ها استفاده خواهد کرد. از این رو در امثال و دارایی و حتی فرزندان آدم شریک می شود تا بوسیله عزیزترین و گرامی ترین وجود بشری انسان را گمراه کند.

(اسراء آیه ۶۱ و ۶۴)

از دیگر راه های او ایجاد بی اعتقادی به آخرت در انسان است که زمینه ساز سلطه ابلیس است.

(سبا آیه ۲۰ و ۲۱)

البته این سلطه چنان که گفته شد منحصر در پیروان گمراه ابلیس است (حجر آیه ۳۲ و ۴۲) و از این که بتواند بر همگان بخصوص بندگان خاص سلطه یابد عاجز است. این بندگان خاص همان کسانی هستند که قرآن از آنان به بندگان صالح خدا و در تفاسیر عرفانی به انسان کامل یاد می شود.

این ها نمونه هایی از روش هایی است که قرآن به عنوان شیوه های ابلیس برای گمراهی مردم بیان می کند. این روش ها به گونه ای است که بیشتر مردم از طریق آن در دام ابلیس گرفتار و بدبخت و شقی می شوند.

ذکر این نکته هم خالی از لطف نیست که قرآن برای رهایی سلطه و یا مصونیت یابی از سلطه ابلیس، به عوامل چندی اشاره می کند که انسان می تواند با به بکارگیری آن خود را نجات دهد. از جمله عواملی که قرآن بیان می کند می توان به ایمان (سبأ آیه ۲۰ و ۲۱) و بندگی در برابر خداوند (حجر آیه ۳۲ و ۴۲) اشاره کرد.

باشد که با پرهیز و هوشیاری، از دام ابلیس رهایی یابیم و با توکل و استغفار در پناه خدا قرار گیریم.